

## آیا امیر مؤمنان علیه السلام از انبیاء افضل است؟

شاید شما خواننده محترم با دیدن این عنوان که علي عليه السلام از تمام پیامبران عليهم السلام غير از خاتم انبياء صلوات الله عليه برتر است تعجب کنید و قبل از هر گونه تحقيق و مطالعه ما را متهم به غلو و خروج از محدوده شرع و عقل بدانید ، ولي توصیه مي كنيم كه قبل از هر نوع داوري با ما همراه شويد تا با استدلال و برهان پرده از راز قضيه کنار بزنيم ، آنگاه خود قضاوت خواهيد نمود كه دريافت و رسيدن به حقيقت چندان هم دشوار نيست بلكه با عبور از ديوارهاي ضخيم شك و بديني آسان نيز مي شود.

چرا كه برترى علي بن ابوطالب عليه السلام در بين افراد بشر حقيقتي است غير قابل انكار ، زيرا كتاب و سنت اين اعتقاد را تايد و آن را اثبات مي كند ، اگر چه دستهاي ناپاك از آغاز تا كنون همواره سعي در انكار فضائل و ويژگيهاي برتر اين مرد الهي را داشته و باتلاش در تحريف واقعيتهاي تاريخي ذهن بسياري از مسلمانان را به گمراهي كشانده اند ، از اين روي بحث در اثبات برترى علي عليه السلام را در سه محور يعني كتاب و سنت و عقل دنبال مي كنيم:

## سيمای برتر علي عليه السلام در قرآن

## الف. آیه تطهير

اولین آیه از بین دهها آیه قرآن که به اعتراف محدثان و مفسران در بیان و توصیف و شرح برترى مقامات معنوي امير المؤمنين عليه السلام مي باشد اين آیه است :

«انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهرکم تطهيرا»

( جز این نیست که خداوند می خواهد هرگونه پليدي را از شما خاندان ببرد و شما را به تمام معنا پاکیزه سازد ) .

سوره احزاب: 33.

در این آیه که معروف به آیه تطهیر است علی و اولاد معصوم او علیهم السلام از همه پیامبران جز خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم برتر معرفی شده اند زیرا خداوند متعال با صراحت تمام پاکی و عصمت خاندان رسولش را اعلام فرموده است.

## واژه ها سخن می گویند

واژه ها و کلمات مهم در این آیه از قبیل: ائما ، یزید ، لیذهب ، الرجس ، اهل البیت ، رموز و کلید فهم این آیه هستند که بدون شناخت آن امکان راهیابی به محتوای عمیق آن میسر نخواهد بود و لذا قبل از هر سخنی تفسیر و توضیح این لغات را جویا می شویم:

## 1. دلالت واژه "ائما" بر حصر.

کلمه ائما در ابتدای آیه بیانگر عنایت ویژه به موضوع و محتوای آن است زیرا این کلمه با ایجاد محدودیت و انحصار در مفهوم و محتوای آیه عظمت مطلب را بیشتر می فهماند.

ابن منظور می گوید:

**ومعني إنما إثبات لما يذكر بعدها ونفي لما سواه كقوله : وإنما يدافع عن أحسابهم أنا أو مثلي المعني : ما يدافع عن أحسابهم إلا أنا أو من هو مثلي ، و**

کلمه ائما مفهومی را برای آنچه که بعد از او آمده است اثبات می کند مانند: این سخن که کسی به گوید: من و مانند من از شرف و حیثیتم دفاع می کنم یعنی در واقع می گوید: فقط من و مثل من چنین هستیم نه فردی دیگر.

لسان العرب ، ج 13 ص 31 ، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری الوفاة: 711 ، دار النشر: دار صادر - بیروت ، الطبعة : الأولى.

توجه به این نکته لازم است که حصر در این آیه از نوع حصر حکم در موضوع است مانند آیه ولایت: «ائما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا...» که در این آیه ولایت فقط مخصوص خدا و رسول و مؤمن تعریف شده با ویژگیهای خاص که پرداخت زکات در حال نماز است می باشد.

بطور قطع تطهیر در آیه مورد بحث از نوع اول یعنی حصر حکمی است نه حصر موضوعی؛ یعنی پاکی و طهارت و دوری از پلیدی اختصاص به افرادی دارد که تحت عنوان اهل البیت علیهم السلام قرار گرفته اند و این ویژگی مخصوص آنان است و هیچ فردی غیر از آنان را شامل نخواهد شد.

## 2. تاکید ضمیر بر انحصار

علاوه بر استفاده حصر از کلمه ائما ، کلمه «عنکم» هم تاکید بر انحصار بیشتر است ، زیرا مفعول فعل «لِيُذْهَبَ» که الرجس است باید در پی فعل و پس از آن قرار گیرد ولی این چنین نشده و جمله «عنکم» بین آن دو فاصله شده است که بدون حکمت و علت نیست چون به قول اهل فن: «تقديم ما هو حقه التأخير يفيد الحصر» یعنی کلمه ای که جایگاه آن در آخر يك جمله است وقتی که جلوتر می آید و مقدم می شود بیانگر انحصار مفهوم و حکم در آن جمله است.

ابن حجر در فصل آیات نازل شده در فضائل اهل بیت می نویسد:

**الآية الأولى: قال الله تعالى: إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا.**

الأحزاب 33

**أكثر المفسرين علي أنها نزلت في علي وفاطمة والحسن والحسين لتذكير ضمير عنكم وما بعده**

بیشتر مفسران به دلیل ضمیر مذکر «عنکم» آیه را در شان علی و فاطمه و حسن و حسین دانسته اند.

الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة ، ج 2 ص 421 ، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمي الوفاة: 973هـ ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط.

الصواعق المحرقة - ( ج 2 / ص 421 )

سپس احتمالاتی را با لفظ ( قيل ) می آورد که انتساب آن مشخص نیست و همچنین پس از نقل روایاتی می گوید: درباره خاندان نسبی و سببی یعنی همسران و همه بنی هاشم نازل شده است.

جا دارد که از او و دیگر هم فکراش که سعی در شریک کردن افراد عادی و غیر لایق در فضائلی این چنین بزرگ و مهم را دارند سؤال شود که: چرا با وجود اعتراف اکثر مفسران در نزول آیه در شأن افرادی خاص از خاندان نسبی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سخن اقلیت و افرادی غیر موجه استناد و در تقویت آن می کوشید؟ آیا این روش جز عناد با علی و فاطمه و فرزندان آن دو چیز دیگری می تواند باشد؟

جناب ابن حجر در نهایت آیه را منبع همه فضائل اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند و حصر آن را که با کلمه «ائما» آغاز شده است در شأن اهل بیت با صراحت اعلام می دارد.

**ثم هذه الآية منبع فضائل أهل البيت النبوي لاشتمالها علي عرر من مآثرهم والاعتناء بشأنهم حيث ابتدئت بانما المفيدة لحصر إرادته تعالى في أمرهم علي إذهاب الرجس الذي هو الإثم أو**

این آیه منبع همه فضائل و برتریهای خاندان نبوت است و توجهی خاص به اهل بیت دارد زیرا با کلمه «انما» هر گونه پلیدی و گناه و شکي را در باره آنان نفي کرده و پاكي آنان را از اخلاق زشت و ناپسند تثبیت کرده است.

الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة ، ج 2 ص 425 - 426 ، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمي الوفاة: 973هـ ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

### 3. اراده خداوند.

اراده خداوند در جمله ( یرید الله ) اراده تکوینی است نه تشریعی زیرا در اراده تشریعی همه بندگان خداوند مورد خطاب قرار می گیرند و احدي استثنا نمی شود ، اما در اراده تکوینی لازم نیست که شمول و عمومیت داشته باشد و خداوند قادر است افرادی خاص را مخصوص به حکم یا فضیلت و ویژگی ای قرار دهد که دیگران از آن محروم باشند.

بنا بر این در آیه مورد بحث اراده فقط تکوینی است چون از بین بردن پلیدی و پاک شدن به صورت عام و کلی نیست تا همه انسانها و یا پیروان يك مکتب را شامل شود چون رجس به معنای هر گونه پلیدی و آلودگی ای است که سبب تنفر دیگران و دور شدن از بندگی خالصانه خداوند است و این حقیقت میسر نمی شود مگر با اراده تکوینی حضرت حق ، و اراده تکوینی هم هیچ گاه تخلف پذیر نیست .

### 4. اذهاب رجس

واژه «ذهاب» در اینجا به معنای از بین بردن و زدودن و دور کردن قبل از پیدایش است ، زیرا در استعمالات و گفتگوها نیز با همین هدف کار برد دارد ، مثلا کسی که می گوید: «أذهب الله عنكم الداء والسوء» خداوند بیماری و ناراحتی را از شما دور نماید ، معنایش این نیست که هم اکنون در شخص وجود دارد و او دعا می کند تا از وی دور شود ، بلکه این آرزو قبل از گرفتاری هم می تواند مورد داشته باشد.

پس اذهاب به معنای دفع است که قبل از پیدایش ، موانعی از وجود و حضور آن جلوگیری می کند ، نه به معنای رفع که بر داشتن و زدودن بعد از پیدایش است ، به همین جهت در آیه شریفه تعبیر «لیذهب» آمده است نه «لیزیل» .

## 5. رجس و پليدي.

يكي از واژه هاي كليدي اين آيه ، كلمه «رجس» است.

لغت شناس معروف ، فيومي مي نويسد:

« **الرجس: النتن. و الرجس: القدر. قال الفارابي: كلّ شيء يستقدر فهو رجس.**».

رجس يعني هر چيز بدبو ، فاريابي گفته است: هرچيزي که طبع انسان از آن بدش آيد رجس و پليدي است.

احمد بن محمد الفيومي ، المصباح المنير ، ج 1 ، ص 219 ، مؤسسة دار الهجرة ، قم ، چاپ اول ، 405 هـ..

لف كتاب العين نیز چنین می نویسد :

« **رجس: كل شيء يستقدر فهو رجس كالخزير ، و قد رجس الرجل رجاسة من القدر ، و إنه لرجس مرجوس. و الرجس في القرآن العذاب كالرجز ، و كل قدر رجس. و رجس الشيطان وسوسته و همزه...**».

رجس هر چيزي است که پليد است مانند «خوك» ، و در قرآن رجس به معنای عذاب است مانند رجز ، و هر پليدي رجس است.

كتاب العين 8 مجلدات ، ج 6 ص 52 ، اسم المؤلف: الخليل بن أحمد الفراهيدي الوفاة: 175 هـ ، دار النشر: دار ومكتبة الهلال ، تحقيق: د مهدي المخزومي / د إبراهيم السامرائي.

راغب اصفهاني ن ز رجس را به سه دسته طبيعي و عقلي و شرعي تقسيم کرده و در تعريف آن مي نويسد:

« **الرجس الشيء القدر.**».

رجس هر چيز ناپاك و آلوده است.

المفردات في غريب القرآن ، ج 1 ص 188 ، اسم المؤلف: أبو القاسم الحسين بن محمد الوفاة: 502 هـ ، دار النشر: دار المعرفة - لبنان ، تحقيق: محمد سيد كيلاني

بنابر آنچه در اظهارات اهل لغت آمده است که به برخي اشاره نموديم ، رجس هر چيزي است که وجود آن در آدمي زمينه نقص را فراهم کند و روح آدمي را بيازارد و موجب نفرت و دوري مردم شود ، و اعم است از هر گونه گناه و معصيت و آلودگي و يا گرفتار شدن در دام و وسوسه هاي شيطان.

اگر چه برخی سعی کرده اند تا دایره مفهوم و مصداق آیه را تنگ کرده و رجس را منحصر در شرک بدانند و هدف از آیه را فقط تطهیر اهل بیت از شرک به خداوند تفسیر کنند و بگویند: شامل گناهان نمی گردد تا شاید بتوانند بعضی از وابستگان سببی را نیز در این آیه داخل نمایند ، ولی با توجه به اطلاق و استفاده عموم و استغراق از کلمه «الرجس» به جهت وجود الف و لام « ال » در کنار کلمه «رجس» بی تردید مفاد آن باید نفی و اِذْهَاب انواع پلیدیهای مادی و معنوی ، نقصها و عیبهای ظاهری و باطنی و یا هر گونه انحراف در همه زمانها باشد که نتیجه آن اثبات مقام عصمت تامّه از همه گناهان خواهد بود.

### سخن بزرگان تفسیر

خوشبختانه دانشمندان اهل سنت همانند بزرگان و اندیشمندان شیعه به این نکته اشاره کرده اند که مصداق رجس نه تنها محدود در شرک نیست بلکه مراد مطلق پلیدیها و زشتیها و گناهان است که در ذیل به سخن تنی چند اشاره می کنیم:

فخر رازی در تفسیر آیه می گوید:

**فقوله تعالی : { لِيُذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ } أَي يزيل عنكم الذنوب ويطهرکم أي يلبسکم خلع الكرامة...**

خداوند گناهان را از شما دور کرده و لباس کرامت را بر شما پوشیده است.

الرازي الشافعي ، فخر الدين محمد بن عمر التميمي ( متوفای 604هـ ) ، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب ، ج 22 ص 201 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى ، 1421 هـ - 2000 م

جصاص مفسر دیگر اهل سنت در احکام القرآن می گوید:

**قال تعالی ( إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهرکم تطهيرا )** **يحتمل التطهير من الذنوب.**

احتمال دارد که مقصود طهارت از رجس و پاکي از گناهان باشد.

أحكام القرآن ، ج 4 ص 33 ، اسم المؤلف : أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر ، الوفاة: 370 ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - 1405 ، تحقيق : محمد الصادق قمحاوي.

شوکانی در فتح القدير آورده است:

**« والمراد بالرجس الإثم والذنب المدنسان للأعراض الحاصلان بسبب ترك ما أمر الله به وفعل ما نهى عنه فيدخل تحت ذلك كل ما ليس فيه لله رضا ».**

مقصود از رجس گناهانی است که با نافرمانی خدا و انجام آنچه که دوست ندارد حاصل می شود.

فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير ، فتح القدير ج 4 ص 278 ، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني الوفاة: 1250 ، دار النشر : دار الفكر - بيروت.

مفسران دیگرمانند: ابن عطية اندلسي و ثعالبي در تعبيري كاملاً مشابه گفته اند:

« و الرَّجْسَ اسم يقع علي الإثم و علي العذاب و علي النجاسات و النقايس ، فأذهب الله جميع ذلك عن أهل التَّيْتِ ».

رجس اسمي است که شامل عذاب و نجاسات و هرگونه نقصي مي شود ، خداوند تمام آن را از اهل بيت دور کرده است.

المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسي الوفاة: 546هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - لبنان - 1413هـ - 1993م ، الطبعة : الاولى ، تحقيق : عبد السلام عبد الشافي محمد.

عبدالرحمن بن محمد ثعالبي ، جواهر الحسان في تفسير القرآن ، ج 4 ، ص 346.

ألوسي نیز در تفسیرش با تعبیر مشابه به این نکته اشاره کرده و می نویسد:

والرجس في الأصل الشيء القدر... ، وقيل : إن الرجس يقع علي الإثم وعلي العذاب وعلي النجاسة وعلي النقايس ، والمراد به هنا ما يعم كل ذلك ... وأل فيه للجنس أو للاستغراق ، والمراد بالتطهير قيل: التحلية بالنقوي ، والمعني علي ما قيل: إنما يريد الله ليذهب عنكم الذنوب والمعاصي فيما نهاكم ويحليكم بالنقوي تحلية بليغة فيما أمركم ، وجوز أن يراد به الصون ، والمعني إنما يريد سبحانه ليذهب عنكم الرجس ويصونكم من المعاصي صوناً بليغاً فيما أمر ونهي جل شأنه .

رجس در اصل پليدي است...و گفته شده است که شامل گناه و عذاب و نجاست و هرگونه نقصي مي شود ، و مقصود از رجس در آيه تطهير اعم از همه اين معاني است...و الف و لام التطهير براي جنس و استغراق است ، يعني خداوند اراده کرده است از شما اهل بيت گناهان را دور و به تقوا آراسته و از پليدي حفظ نمايد .

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، ج 22 ص 12 ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت.

طنطاوي دیگر صاحب نظر اهل سنت در تفسیر قرآن می نویسد:

« و الرجس في الأصل : يطلق علي كل شئ مستقذر. وأريد به هنا : الذنوب والآثام وما يشبه ذلك من النقايس والأدناس ».

رجس در اصل بر هر چیزی که پليد است اطلاق مي شود ، اما در اين آيه ( تطهير ) مقصود پاکی از گناه و هرگونه نقص

## 6. اهل البيت

لفظ "اهل" در لغت ، در مورد کسانی به کار می رود که نسبت به آنان نوعی وابستگی جسمی ، روحی و فکری ، دینی و اعتقادی و خانوادگی داشته باشد. بنا بر این اعضای خانواده اعم از همسر ، فرزند

نوه و . . . چون انسان با آنان انس و تعلق خاطر دارد "اهل" او به حساب می آیند ، و لذا می توان گفت: نکته ی اساسی در معنای " اهل " همان وابستگی و انس و تعلق خاطر داشتن است ، اگر چه گاهی افرادی غیر از خویشان و نزدیکان نیز می توانند جزو "اهل" انسان محسوب شوند ، مانند سلمان فارسی که عنوان " منّا اهل البيت " را می گیرد. اما در نقطه ی مقابل ، افرادی نیز ممکن است با وجود داشتن رابطه ی خویشاوندی ولی به علت حرکت بر خلاف فرمان خداوند و سرپیچی از خواسته های پدر جزو " اهل" انسان به شمار نیایند ، مانند فرزند نوح که خداوند می فرماید: « اِنَّه لیس من اهلک ».

این لفظ علاوه بر نشان دادن نسبت فامیلی و خانوادگی در برخی از استعمالات معنایی دیگری نیز همراه دارد که با کلمه بعدی آن یعنی مضاف الیه مشخص می شود.

مثلاً: پیروان هر کتاب دینی و یا آئینی را به نام اهل همان کتاب و آئین می خوانند ، و گفته می شود: اهل اسلام ، اهل کتاب ، اهل انجیل ، اهل القری ، اهل مدینه ، اهل جنّت ، اهل نار ، ... که در قرآن کریم نیز استعمال شده است.

در آغاز نگاهی به آراء مفسران لغت در توضیح کلمه اهل داریم سپس سری به آثار نویسندگان قرآن پژوه و مورخان و محدثان خواهیم زد.

لغت شناسانی مانند: ابن منظور و دیگران می نویسند:

### أهل الرجل عشيرته ودُّو قُرباه.

اهل الرجل خاندان و نزدیکان او هستند.

لسان العرب ، ج 11 ص 28 ، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفريقي المصري الوفاة: 711 ، دار النشر: دار صادر - بيروت ، الطبعة: الأولى.

تاج العروس من جواهر القاموس ، ج 28 ص 40 ، اسم المؤلف: محمد مرتضي الحسيني الزبيدي الوفاة: 1205 ، دار النشر: دار الهداية ، تحقيق: مجموعة من المحققين.



صاحب فروق اللغة در فرق بين اهل و آل مي نويسد:

**أن الهل يكون من جهة النسب والاختصاص.**

الفروق اللغوية: ج 1 ص 309 ، اسم المؤلف: العسكري ، دار النشر:

اهل از جهت نسب ، بين افراد و خویشاوندان و يا اختصاص است.

مرحوم طريحي مي نويسد:

**( أهل ) أهل الرجل: آله. و هم أشياعه و أتباعه و أهل ملته... و قد مر في ( امر ) : أنهم أهل بيته خاصة.**

اهل رجل همان آل و خاندان و پيروان او هستند.

مجمع البحرين - الطريحي - ( ج 5 / ص 203 )

پس از بر رسي واژگان آيه و نگاهی به سخنان و آراء اربابان لغت ، اشاره اي مختصر به شأن نزول خواهيم داشت تا بينيم آیا نام علي هم در کنار نام رسول خدا و فاطمه و فرزندان او دیده مي شود تا از اين فضيلت بزرگ بهره مند شود يا خير؟

علامه جلال الدين سيوطي در تفسير الدر المنثور بيست روايت از طرق گوناگون نقل کرده است که مراد از اهل بيت عليهم السلام رسول خدا ، علي ، فاطمه و حسنين هستند ، که به يك مورد اشاره مي کنيم:

**أخرج ابن جرير وابن أبي حاتم والطبراني وابن مردويه عن أم سلمة رضي الله عنها زوج النبي صلى الله عليه وسلم : « أن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان بيتهما علي منامة له عليه كساء خيبري ، فجاءت فاطمة رضي الله عنها ببرمة فيها خزيرة فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم « ادعي زوجك ، وابنيك ، حسناً ، وحسيناً ، فدعتهم فبينما هم يأكلون إذ نزلت علي رسول الله صلى الله عليه وسلم { إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً } فأخذ النبي صلى الله عليه وسلم بفضلة أزاره ، فغشاهم إياها ، ثم أخرج يده من الكساء وأوماً بها إلي السماء ، ثم قال : اللهم هؤلاء أهل بيتي وخاصتي ، فاذهب عنهم الرجس ، وطهرهم تطهيراً ، قالها ثلاث مرات . قالت أم سلمة رضي الله عنها : فادخلت رأسي في الستر فقلت : يا رسول الله وأنا معكم فقال : إنك إلي خير مرتين » .**

از ام سلمه نقل شده است که گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله در خانه من بود و عبايي خيبري پوشيده بود ، فاطمه وارد شد رسول خدا فرمود: همسرت علي و دو فرزندت حسن و حسين را فراخوان ، فاطمه آنان را فراخواند و مشغول تناول غذا شدند ، ناگهان اين آيه نازل شد: ( خداوند اراده فرموده است تا رجس و پليدي را از شما خاندان دور نمايد و

شما را پاکیزه کند ) رسول خدا عبا را روی سر آنان کشید و همه را زیر عبا قرار داد سپس دست به آسمان بلند کرد و عرضه داشت: ( خداوندا ! اینان اهل بیت منند ، خداوندا ! هرگونه پلیدی را از آنان بیر و به تمام معنا پاکشان ساز ) . این سخن را سه بار تکرار کرد ، ام سلمه گفت : آیا من از ایشان نیستم ؟ فرمود : تو به راه خیر هستی ، و دو بار آن را تکرار نمود .

الدر المثور ، ج 6 ص 603 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

حسکانی دیگر ناقل روایات نازل شده پیرامون آیات قرآن نیز چندین روایت در ارتباط با این آیه آورده است از جمله:

روایت جابر بن عبدالله انصاری که می گوید:

**نزلت هذه الآية علي النبي ص و ليس في البيت إلا فاطمة و الحسن و الحسين و عليّ إنّما يُريدُ الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً فقال النبي ص: اللهم هؤلاء أهلي**  
».

وقتی که این آیه نازل شد در خانه کسی نبود جز فاطمه ، حسن ، حسین و علی ، رسول خدا عرض کرد: خدایا اینان اهل منند .

حسکانی ، حاکم ، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ، ج 2 ، ص 29 ، ح 64

نتیجه این بخش از بررسی پیرامون آیه تطهیر حضور امیر مؤمنان علی علیه السلام را در کنار رسول خدا و همسر و دو فرزندش را نشان می دهد که به بزرگترین منقبت و فضیلت از طرف خداوند بشارت داده می شوند و آن پاکي و طهارت و دور بودن از هر گونه آلودگی و پلیدی است ، که خود برتری آن حضرت بر بسیاری از پیامبران را نشان می دهد ، ( اگر چه او پیامبر نیست و فقط منصب خلافت و جانشینی را دارد ) .

**ب. آیه مباحله**

آیه مباحله یکی از آیاتی است که برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام را بر همه پیامبران غیر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اثبات می کند:

**فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابنانا و ابناكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علي الكاذبين .**

آل عمران: 61.

( پس هر که درباره آن ( قرآن یا عیسی ) با تو به بحث و مجادله پرداخت پس از آن که علم آن به تو رسید ، پس بگو : بیاید ما و شما فرزندان و زنان و جانهای خویش را بخوانیم آن گاه به درگاه خدا زاری کنیم و در حق یکدیگر نفرین کنیم و لعنت خدا را بر هر کدام از ما دو گروه که دروغگوست قرار دهیم ) .

بدون شك آیه مباحله در حق اهل عبا و پنج تن برگزیده خدا نازل شده است ، چون این مطلب را بسیاری از محدثان و مفسران و مورخان و متکلمان در کتابهای خود آورده و جزء مسائل مسلم و غیر قابل تردید دانسته اند ، و از سویی مدارك زنده در لابلاي آثار تفسيري و تاريخي شهادت مي دهد كه پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم در داستان مباحله با نصاراي نجران از زنان جز پاره تن خود فاطمه عليها السلام ، و از فرزندان جز دو نوه اش حسن و حسين و علي عليهم السلام كه نفس وي به شمار مي رود همراه نياورد.

مسلم در كتاب صحيحش مي نويسد:

**ولما نزلت هذه الآية : ( فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبنائكم ) دعا رسول الله ص علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً فقال : اللهم هؤلاء أهلي.**

پس از نزول این آیه رسول خدا علي ، فاطمه ، حسن و حسين را صدا زد ، آنگاه چنین دعا كرد: خداوندا اینان خاندان من هستند.

صحيح مسلم: 7/120 ح 6373 ، ( 5/23 ح 32 ) كتاب فضائل الصحابة ، باب فضائل علي رضي الله عنه ، مسند أحمد: 1/185 ، صحيح الترمذي: 5/596 ، المستدرک علي الصحيحين: 3/150 ، فتح الباري: 7/60 ، تفسير الطبري: 3/212 ، الدر المنثور: 2/38 ، الكامل في التاريخ: 2/293.

**أخرج الحاكم وصححه وابن مردويه وأبو نعيم في الدلائل عن جابر قال « قدم علي النبي صلي الله عليه وسلم العاقب ، والسيد ، فدعاهما إلي الإسلام فقالا : أسلمنا يا محمد قال : كذبتما إن شئتما أخبرتكما بما يمنعكما من الإسلام . قالا : فهات . قال : حب الصليب ، وشرب الخمر ، وأكل لحم الخنزير ، قال جابر : فدعاهما إلي الملاعنة ، فوعدها إلي الغد ، فدعا رسول الله صلي الله عليه وسلم ، وأخذ بيد علي ، وفاطمة ، والحسن ، والحسين ، ثم أرسل إليهما فأبيا أن يجيباه ، وأقرا له ، فقال : والذي بعثني بالحق لو فعلا لأمطر الوادي عليهما ناراً . قال جابر : فيهم نزلت { تعالوا ندع أبناءنا وأبنائكم . . . } الآية . قال جابر : أنفسنا وأنفسكم رسول الله صلي الله عليه وسلم وعلي ، وأبناءنا الحسن والحسين ، ونساءنا فاطمة.**

دو نفر از چهره هاي سرشناس مسيحي به نام عاقب و سيد محضر رسول خدا صلي الله عليه و آله رسيدند ، به آن دو فرمود: مسلمان شويد ، گفتند: ما مسلمانيم ، فرمود: دروغ مي گوئيد ، اگر به خواهيد ثابت مي کنم كه شما مسلمان نيسديد. گفتند: ثابت كن ، فرمود: علاقه شما به صليب و شراب نوشيدن و خوردن گوشت خوك ، سپس آنان را به مباحله فرا خواند ، و قرار شد صبح روز بعد حاضر شوند ، هنگام صبح رسول خدا در حالي كه دست علي را گرفته بود و فاطمه و حسين با وي بودند از مدينه بيرون رفت و سيد و عاقب را دعوت به مباحله نمود ولي پذيرفتند و تسليم شدند ، رسول خدا فرمود: قسم به آنكه مرا به حق مبعوث کرده است اگر دعوت به مباحله را مي پذيرفتند از آسمان آتش بر آنان مي باريد ، جابر مي گويد: اين آيه در شأن خاندان پيامبر نازل شد: { تعالوا ندع أبناءنا وأبنائكم . . . } سپس گفت: مراد از انفسنا رسول خدا و علي است و مراد از ابناءنا حسن و حسين و از نساءنا فاطمه است.

الدر المنثور ، ج 2 ص 230 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

أخرج الحاكم وصححه عن جابر « أن وفد نجران أتوا النبي فقالوا : ما تقول في عيسى؟ فقال : هو روح الله ، وكلمته ، وعبد الله ، ورسوله ، قالوا له : هل لك أن نلاعنك أنه ليس كذلك؟ قال : وذاك أحب إليكم؟ قالوا : نعم . قال : فإذا شئتم . فجاء وجمع ولده الحسن والحسين ، فقال رئيسهم : لا تلاعنوا هذا الرجل فوالله لئن لاعنتموه ليخسفن بأحد الفريقين فجاؤوا فقالوا : يا أبا القاسم إنما أراد أن يلاعنك سفهاؤنا ، وإنما نحب أن تعفينا . قال قد أعفيتكم ثم قال : إن العذاب قد أطل نجران.

گروهی از مردم نجران محضر پیامبر رسیده و گفتند: در باره عیسی چه می گوئی؟ فرمود: او روح خدا و کلمه او و عبد الله و فرستاده او است ، گفتند: ما حاضریم با تو مباحله کنیم که او این چنین نیست ، فرمود: هر گونه که می خواهید من حاضر ، سپس دو فرزندش حسن و حسین را آماده کرد تا مباحله نماید ، ولی آنان نپذیرفته و تسلیم شدند.

الدر المنتور ، ج 2 ص 231 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

علامه حسکاني علاوه بر روایات فوق روایات دیگری هم با همان مضمون و با اندک تفاوتی نقل کرده است که به تعدادی اشاره می شود و چون محتوا یکی است از ترجمه آن صرف نظر می کنیم:

وأخرج أبو النعیم في الدلائل من طريق الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس أن وفد نجران من النصارى قدموا علي رسول الله صلى الله عليه وسلم وهم أربعة عشر رجلا من أشرفهم منهم السيد وهو الكبير والعاقب وهو الذي يكون بعده وصاحب رأيهم فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لهما : أسلما قالا : أسلما قال : ما أسلمتما قالا : بلي قد أسلما قبلك قال : كذبتما بمنعكم من الإسلام ثلاث فيكما : عبادتكما الصليب وأكلكما الخنزير وزعمكما أن لله ولدا ونزل ) إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم خلقه من تراب ( الآية ) فلما قرأها عليهم قالوا : ما نعرف ما تقول ونزل ) فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم ( يقول : من جادلك في أمر عيسى من بعد ما جاءك من العلم من القرآن ) فقل تعالوا ( إلي قوله ) ثم نبتهل ( يقول : نجتهد في الدعاء أن الذي جاء به محمد هو الحق وأن الذي يقولون هو الباطل فقال لهم : إن الله قد أمرني إن لم تقبلوا هذا أن أباهلكم فقالوا : يا أبا القاسم بل نرجع فننظر في أمرنا ثم نأتيك فخلا بعضهم ببعض وتصادقوا فيما بينهم قال السيد للعاقب : قد والله علمتم أن الرجل نبي مرسل ولئن لاعنتموه إنه ليستأصلكم وما لاعن قوم قط نبيا فيبقى كبيرهم ولا نبت صغيرهم فإن أنتم لم تتبعوه وأبیتم إلا إلف دينكم فوادعوه وارجعوا إلي بلادكم وقد كان رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج ومعه علي والحسن والحسين وفاطمة فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إن أنا دعوت فأمنوا أنتم فأبوا أن يلاعنوه وصالحوه علي الجزية

الدر المنتور ، ج 2 ص 231 - 232 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

وأخرج أبو نعیم في الدلائل من طريق عطاء والضحاك عن ابن عباس أن ثمانية من أساقف العرب من أهل نجران قدموا علي رسول الله صلى الله عليه وسلم منهم العاقب والسيد فأنزل الله ) فقل تعالوا ندع أبناءنا ( إلي قوله ) ثم نبتهل ( يريد ندع الله باللعنة علي الكاذب فقالوا : آخرنا ثلاثة أيام فذهبوا إلي بني قريظة والنضير وبني قينقاع فاستشاروهم فأشاروا عليهم أن يصلحوه ولا يلاعنوه وهو النبي الذي نجده في التوراة فصالحوا النبي صلى الله عليه وسلم علي ألف حلة في صفر وألف في رجب ودراهم.

الدر المثنور ، ج 2 ص 232 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

أخرج مسلم والترمذي وابن المنذر والحاكم والبيهقي في سننه عن سعد بن أبي وقاص قال : « لما نزلت هذه الآية { فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم } دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم علياً ، وفاطمة ، وحسناً ، وحسيناً ، فقال « اللهم هؤلاء أهلي » .

الدر المثنور ، ج 2 ص 232 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

وأخرج ابن جرير عن غلباء بن أحمر اليشكري قال « لما نزلت هذه الآية { فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم . . . } الآية . أرسل رسول الله صلى الله عليه وسلم إلي علي ، وفاطمة ، وابنيهما الحسن ، والحسين ، ودعا اليهود ليلاعنهم فقال شاب من اليهود : ويحكم أليس عهدكم بالأمس إخوانكم الذين مسخوا قرده وخنازير؟ لا تلاعنوا . فانتهاوا »

الدر المثنور ، ج 2 ص 233 ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911 ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

#### علي عليه السلام نفس رسول خدا

يكي از آیاتی که از آن استفاده برتري علي عليه السلام از همه افراد بشر حتي از انبيا عليهم السلام غير از پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم مي شود آيه مباحله است ، زيرا خداوند او را نفس پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم خوانده است ، و از روایات و گفتار مورخان و محدثان نیز استفاده مي شود که مراد از انفسنا علي عليه السلام است .

ابن كثير مي نويسد:

قال جابر: ( أنفشنا وأنفسكم ) رسول الله وعلي بن أبي طالب ( وأبنائنا ) الحسن والحسين ( ونسائنا ) فاطمة. وهكذا رواه الحاكم في مستدرکه... ثم قال: صحيح علي شرط مسلم ولم يخرجاه.

جابر گفته است مراد از ( أنفشنا و أنفسكم ) رسول خدا و علي است. و مراد از ( أبنائنا ) حسن و حسين و مراد از ( نسائنا ) فاطمه است.

این روایت را حاکم در مستدرکش نقل کرده و مي نويسد: طبق شرائط مسلم در صحيحش این روایت صحيح است اگر چه او و بخاري آن را نقل نکرده اند.

تفسير ابن كثير: 1/379 ط. دار المعرفة - بيروت و 1/370 ط مصطفى محمد بمصر ، ورواه السيوطي قائلا: وصححه الحاكم. الدر

المثنور: 2/39. هكذا الشوكاني في فتح القدير: 1/348.

**وفيه دليل لا شئ أقوى منه علي فضل أصحاب الكساء عليهم السلام.**

این آیه قوی ترین و محکم ترین دلیل بر برتری اصحاب کساء است.

الکشاف: 1/370.

محمد بن طلحه شافعی ضمن بیانی در فضیلت زهرا علیها السلام در این آیه ، می گوید : این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را میان خود و میان علی علیه السلام که به منزله جان او بوده است قرار داد دلیل بر آن است که می خواست فاطمه از هر سو حراست گردد و بدین سبب اهمیت شأن او روشن شود ، زیرا حراست با احاطه انفس بیش از حراست با احاطه ابناء است .

مطالب السئول: 7.

ابن حجر هیثمی می گوید :

**وأخرج الدارقطني أن عليا قال للسته الذين جعل عمر الأمر شورى بينهم كلاما طويلا من جملته أنشدكم بالله هل فيكم أحد قال له رسول الله صلى الله عليه وسلم ( يا علي أنت قسيم الجنة والنار يوم القيامة غيري قالوا اللهم لا ) .**

دارقطني روایت کرده است که : علی علیه السلام در روز شورا با حاضران احتجاج کرد و گفت : شما را به خدا سوگند که آیا در میان شما کسی هست که خویشاوندی اش از من به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکتر باشد ؟ و غیر از من کسی هست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را نفس خود قرار داده و فرزندان او را فرزندان خود و زن او را به منزله بلکه برتر از همسر خویش خوانده باشد؟ گفتند: نه ، خدایا.

الصواعق المحرقة علي أهل الرفض والضلال والزندقة ، ج 2 ص 369 ، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيثمي الوفاة: 973هـ ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط.

## سخن فخر رازی

فخر رازی در نقل ذیل ، حقیقت مطلب را گویا پذیرفته و بر خلاف روش همیشگی اش که اگر نقل مطلبی به نفع شیعه و عقائد وی بود آن را نقد و با تلاش فراوان آن را رد می کرد ولی در این مورد سخنی قابل قبول در برابر دیدگاه و موضع حق شیعه نداشته و با استناد به اجماع به برتری رسول خدا قبل از پیدایش علی ، می گذرد و پاسخی مناسب از وی دیده نمی شود ، او می نویسد:

**المسألة الخامسة : كان في الري رجل يقال له : محمود بن الحسن الحمصي ، وكان معلم**

الاثنى عشرية ، وكان يزعم أن علياً رضي الله عنه أفضل من جميع الأنبياء سوى محمد عليه السلام ، قال : والذي يدل عليه قوله تعالى : { وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ } وليس المراد بقوله { وَأَنْفُسَنَا } نفس محمد صلي الله عليه وسلم لأن الإنسان لا يدعو نفسه بل المراد به غيره ، وأجمعوا علي أن ذلك الغير كان علي بن أبي طالب رضي الله عنه ، فدللت الآية علي أن نفس علي هي نفس محمد ، ولا يمكن أن يكون المراد منه ، أن هذه النفس هي عين تلك النفس ، فالمراد أن هذه النفس مثل تلك النفس ، وذلك يقتضي الاستواء في جميع الوجوه ، ترك العمل بهذا العموم في حق النبوة ، وفي حق الفضل لقيام الدلائل علي أن محمداً عليه السلام كان نبياً وما كان علي كذلك ، ولانعقاد الإجماع علي أن محمداً عليه السلام كان أفضل من علي رضي الله عنه ، فيبقى فيما وراءه معمولاً به ، ثم الإجماع دل علي أن محمداً عليه السلام كان أفضل من سائر الأنبياء عليهم السلام فيلزم أن يكون علي أفضل من سائر الأنبياء.

در ري مردي بود به نام محمود بن حسن حمصي كه معلم شيعيان دوازده امامي بود . وي مي پنداشت كه علي رضي الله عنه از همه پیامبران غير از حضرت محمد صلي الله عليه و آله و سلم افضل است و دليل او آيه انفسنا بود . مي گفت : مراد از انفسنا نمي تواند خود محمد صلي الله عليه و آله و سلم باشد ، زيرا انسان هيچ گاه خودش را دعوت نمي كند ، پس مراد از آن كس ديگري است ، و همه اجماع دارند بر آن كه مراد علي بن ابي طالب رضي الله عنه است . بنا بر اين آيه دلالت دارد بر آن كه نفس علي همان نفس محمد صلي الله عليه و آله و سلم است . و نيز نمي تواند نفس او عين نفس آن حضرت باشد پس مراد آن است كه نفس او مانند نفس آن حضرت است ، و اين مقتضي مساوات از همه جهت است ، ولي مسأله نبوت و فضيلت به دلایلي از اين عموم بيرون است ، زيرا محمد صلي الله عليه و آله و سلم پیامبر بود و علي نبود و نيز اجماع منعقد است بر آن كه محمد صلي الله عليه و آله و سلم از علي رضي الله عنه افضل است ، مي ماند بقيه فضائل كه در آنها با يكديگر برابرند ، و چون اجماع قائم است كه محمد صلي الله عليه و آله و سلم از ساير پیامبران عليهم السلام افضل است پس علي عليه السلام نيز از همه پیامبران برتر است.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب: ج 4 ص 241 ، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي الوفاة: 604 ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م ، الطبعة: الأولى

سپس در پاسخ مي گوید :

**والجواب : أنه كما انعقد الإجماع بين المسلمين علي أن محمداً عليه السلام أفضل من علي ، فكذلك انعقد الإجماع بينهم قبل ظهور هذا الإنسان ، علي أن النبي أفضل ممن ليس بنبي ، وأجمعوا علي أن علياً رضي الله عنه ما كان نبياً ، فلزم القطع بأن ظاهر الآية كما أنه مخصوص في حق محمد صلي الله عليه وسلم ، فكذلك مخصوص في حق سائر الأنبياء عليهم السلام .**

جواب اين استدلال آن است كه : همان گونه كه اجماع ميان مسلمانان منعقد است كه محمد صلي الله عليه و آله و سلم افضل از علي است ، همچنين پيش از ظهور اين شخص ( حمصي ) اجماع منعقد است كه هر پیامبري از كسي كه پیامبر نيست افضل است ، و همه اجماع دارند كه علي رضي الله عنه پیامبر نبوده است ، پس قطعاً ظاهر آيه مي رساند كه همان گونه كه محمد صلي الله عليه و آله و سلم افضل از علي است ساير انبيا نيز از علي افضل مي باشند .

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب: ج 4 / ص 242 ، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي الوفاة: 604 ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م ، الطبعة: الأولى

علامه مجاهد شیخ محمد حسن مظفر رحمه الله پیرامون سخن رازی می گوید : از سخنان رازی در تفسیر آیه استفاده می شود که وی دلالت آیه بر افضلیت علی علیه السلام از سایر صحابه را پذیرفته است ، زیرا استدلال شیخ محمود حمصی را نقل کرد که چون علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و پیامبر از سایر انبیا برتر است پس علی علیه السلام نیز از آنها برتر است ، و نیز از شیعیان نقل کرد که آنان به این آیه استدلال کرده اند بر افضلیت آن حضرت از سایر صحابه ، و فخر رازی تنها مطلب اول ( برتری علی علیه السلام از سایر انبیا علیهم السلام ) را رد کرد و درباره مطلب دوم چیزی نگفت ، اما این که مدعی شده است که پیش از ظهور حمصی اجماع منعقد شده بر افضلیت پیامبران بر دیگران ، سخن درستی نیست . زیرا اجماع بر آن است که صنف پیامبران از اصناف دیگر بشر برترند و هر پیامبری از افراد امت خویش برتر است ، اما چنین نیست که هر پیامبری از هر غیر پیغمبری برتر باشد گرچه آن غیر ، از امتهای دیگر باشد . . . و نیز قول به برتری امیرمؤمنان علیه السلام از پیامبران جز حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص به شیخ محمود حمصی ندارد تا با اجماعی که فخر رازی ادعا نموده منافات داشته باشد ، بلکه شیعیان پیش از وجود این شیخ و پس از او قائل به آن بوده اند و در این باره به آیه مباهله و آیات دیگر استدلال نموده اند .

دلائل الصدق: 2/86.

علامه سید شرف الدین نیز پس از نقل سخن رازی می گوید : دقت کن بین او به روشنی دلالت آیه را بر برتری علی علیه السلام بیان نموده و ناخود آگاه به درستی آن اعتراف کرده است . وی با آنچه از شیعیان چه در گذشته و حال نقل کرده است معارضه ای ننموده و کلمه ای در رد آنان بر قلم نیاورده است ، گویی اعتقاد آنان را پذیرفته و به دلالت آیه بر عقیده آنان اعتراف نموده است ، و تنها بر محمود بن حسن خرده گرفته است ، در صورتی که اجماعی که رازی آن را بهانه قرار داده و بر حمصی حمله کرده است چیزی است که مورد قبول محمود حمصی و هم عقیده های او نیست .

الكلمه الغراء: 5.

### ج. آیه خیر البریه

یکی دیگر از آیاتی که دلیل بر برتری علی علیه السلام از همه افراد بشر از گذشته و آینده حتی پیامبران اولوا العزم علیهم السلام به جز خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم است این آیه است : «ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خیر البریه»

سوره البینه: 7.

( آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ، آنان بهترین آفریدگانند ) .



شان نزول آیات قرآن در بسیاری از موارد کمک به فهم مراد و مقصود از آیه را دارد و در واقع پلی است برای عبور و ورود به گذشته تاریخ و زمان نزول ، اما حکم و یا هر نکته ی دیگری که به عنوان پیام در آیات وحی وجود دارد ، در محدوده زمان و یا هر چیز دیگری محبوس و مدفون نمی شود ، آیه مورد بحث نیز از جمله آیاتی است که مصداق خیر البریه را به روشنی بیان می کند.

**وأخرج ابن مردويه عن عائشة قالت : قلت يا رسول الله : من أكرم الخلق علي الله قال : يا عائشة أما تقرئين ( إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية )**

**وأخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال كنا عند النبي صلي الله عليه وسلم فأقبل علي فقال النبي صلي الله عليه وسلم : والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ونزلت ( إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية ) فكان أصحاب النبي صلي الله عليه وسلم إذا أقبل علي قالوا : جاء خير البرية**

**وأخرج ابن عدي وابن عساکر عن أبي سعيد مرفوعا : علي خير البرية**

**وأخرج ابن عدي عن ابن عباس قال : لما نزلت ( إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية ) قال رسول الله صلي الله عليه وسلم لعلي : هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين**

**وأخرج ابن مردويه عن علي قال : قال لي رسول الله صلي الله عليه وسلم : ألم تسمع قول الله : ( إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية ) أنت وشيعتك وموعدي وموعدكم الحوض إذا جئت الأمم للحساب تدعون غرا محجلين**

**أخرج ابن مردويه عن عائشة قالت : « قلت يا رسول الله : من أكرم الخلق علي الله؟ قال : يا عائشة أما تقرئين { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } .**

**وأخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله قال : « كنا عند النبي صلي الله عليه وسلم فأقبل عليّ فقال النبي صلي الله عليه وسلم : « والذي نفسي بيده إن هذا وشيعته لهم الفائزون يوم القيامة ، ونزلت { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } فكان أصحاب النبي صلي الله عليه وسلم إذا أقبل عليّ قالوا : جاء خير البرية .**

عائشه می گوید: از رسول خدا پرسیدم: گرامی ترین آفریده نزد خدا چه کسی است؟ فرمود: مگر این آیه قرآن را نخوانده ای؟ { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية }.

ابن عساکر از جابربن عبد الله روایت کرده است که گفت : ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم که علی از راه رسید ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : سوگند به آن که جانم به دست او است ، این و شیعیان اویند که در روز قیامت رستگارند . و این آیه نازل شد : ان الذين آمنوا . . . و یاران رسول خدا هر گاه علی از راه می رسید می گفتند : بهترین آفریدگان آمد ،

الدر المنثور، ج 8، ص 589، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

وأخرج ابن عدي وابن عساكر عن أبي سعيد مرفوعاً: عليّ خير البرية .

وأخرج ابن عدي عن ابن عباس قال: « لما نزلت { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لعلي: « هو أنت وشيعتك يوم القيامة راضين مرضيين » .

وأخرج ابن مردويه عن عليّ قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم: « ألم تسمع قول الله: { إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية } أنت وشيعتك وموعدي وموعدكم الحوض إذا جئت الأمم للحساب تدعون غراً محجلين » .

و نیز ابن عدي و ابن عساكر از ابو سعيد به سند مرفوع روایت کرده اند که : علي بهترین آفریدگان است.

ابن عدي از ابن عباس روایت کرده که گفت : چون آیه خیر البریه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علي فرمود : اینان تو هستی و شیعیان تو که در روز قیامت خشنود و پسندیده اند.

ابن مردويه از علي علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : آیا این آیه را نشنیده ای : ان الذين آمنوا . . . آنان تو و شیعیان تو هستند ، فرارگاه من وتو وشیعیان حوض کوثر است .

الدر المنثور، ج 8، ص 589، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

طبري در تفسیر آیه مي گوید:

قوله: ( **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** )

يقول تعالى ذكره: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ ، وَعَبَدُوا اللَّهَ مَخْلَصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً ، وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَآتَوُا الزَّكَاةَ ، وَأَطَاعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَ وَنَهَى ( أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ )** يقول: من فعل ذلك من الناس فهم خير البرية. وقد: حدثنا ابن حميد ، قال: ثنا عيسى بن فرقد ، عن أبي الجارود ، عن محمد بن عليّ ( **أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ** ) فقال النبي صلى الله عليه وسلم: **"أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَشِيعَتُكَ"**.

خداي متعال مي فرماید : آنان که به خدا و رسولش محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و خدا را خالصانه و یگانه و بدون شریک پرستیدند ، و نماز را به پاداشند و زکات دادند ، و خدا را در همه اوامر و نواهی او اطاعت نمودند ، آنانند که بهترین آفریدگانند . مي گوید : از مردم آنان که چنین کنند بهترین آفریدگانند .

ابن حميد از عيسى بن فرقد از ابوالجارود از محمدبن علي ( امام باقر علیه السلام ) مرا حدیث کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : اي علي ، خیر البریه تو و شیعیان تو هستند .

علامة گنجي نقل مي کند:

أخبرنا إبراهيم بن بركات القرشي ، أخبرنا الحافظ علي بن الحسن الشافعي ، أخبرنا أبو القاسم بن السمرقندي ، أخبرنا عاصم بن الحسن ، أخبرنا الحافظ أبو العباس ، حدثنا محمد بن أحمد القطواني ، حدثنا إبراهيم بن الأنصاري ، حدثنا إبراهيم بن جعفر بن عبد الله بن محمد بن مسلمة عن أبي الزبير عن جابر بن عبد الله قال : كنا عند النبي صلى الله عليه وآله فأقبل علي بن أبي طالب فقال صلوات الله عليه : قد أتاكم أخي ثم التفت إلي الكعبة فصر بها بيده ثم قال : والذي نفسي بيده ان هذا وشيعته هم الفائزون يوم القيامة ثم إنه أولكم إيماناً وأوفاكم بعهد الله وأقومكم بأمر الله وأعدلكم في الرعية وأقسمكم بالسوية وأعظمكم عند الله منزلة قال : ونزلت : ( ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية ) .

جابر بن عبد الله مي گوید: ما نزد پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم بوديم كه علي بن ابي طالب عليه السلام از راه رسيد ، پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود : برادرم نزد شما آمد . آن گاه رو به كعبه نمود و دست به آن زد و فرمود : سوگند به آن كه جانم به دست او است ، اين و شيعيان اويند كه در روز قيامت رستگارند ، او نخستين ايمان آورنده شما ، و وفادارترين شما به عهد خدا ، و قيام كننده ترين شما به امر خدا ، و عادل ترين شما در ميان رعيت ، و مساوي تقسيم كننده ترين شما ، و ارجمندترين شما در نزد خداست . آن گاه اين آيه نازل شد : ان الذين آمنوا ...

كفايه الطالب ، طبع الغري: 118.

## خير البرية كيست و چيست؟

ازمیان دهها روایت پیرامون آیه خیر البریه شماری از آن را ملاحظه نمودید که با صراحت مصداق و فرد مورد نظر خداوند را معرفی می کرد که برای اهل فکر و تحقیق باید کافی باشد و در نوع خود مثبت تحریف گران و بد خواهان علی و فرزندان او را باز و رسوا می کند و از سوئی بر تری آن امام همام را بر پیامبران ، غیر از رسول خاتم و منصب نبوت اثبات می کند ، چرا که جمله «خیر البریه» به معنای برترین آفریده است و صفتی است که بدون شك از آغاز خلقت تا پایان نظام هستی را شامل می شود و این افتخاری است که نصیب علی بن ابوطالب علیه السلام شده است.

سیمای برتر علی علیه السلام در حدیث

تصویر چهره ملکوتی امیر مؤمنان علی علیه السلام و بازخوانی سیمای معنوی و ومجسم ساختن زیباییهای رفتاری و عملی و گفتاری او از میان هزاران سخن رسول گرامی اسلام نیازمند خلق و آفرینش کتابها است ، اگر چه بزرگانی در گذشته و حال به این مهم دست یازیده اند ، احادیث و

سخنان پیامبر اعظم ، مربی و معلم امیر مؤمنان علی علیه السلام در بیان شخصیت و فضائل آن حضرت از حد و اندازه خارج است ، که از بین این روایات حدیث ذیل را که موافق و مخالف نقل کرده اند و سند گویائی است بر مدعای ما و در حقیقت مکمل آیات پیشین و در وصف برتری امام علی علیه السلام بر تمام پیامبران غیر از خاتم انبیا است ، به تفسیر و توضیح آن می پردازیم.

**«من أراد أن يري آدم في علمه ، ونوحاً في طاعته ، وإبراهيم في خلته ، وموسى في هيئته ، وعيسى في صفوته ، فلينظر إلي علي بن أبي طالب رضي الله عنه »**

( هر کس به خواهد علم آدم ، طاعت نوح ، محبوبیت ابراهیم ، هیئت موسی و برگزیدگی عیسی را ببیند باید به علی بن ابی طالب بنگرد ) .

**قوله صلي الله عليه وآله وسلم : ( من أراد أن ينظر إلي نوح في عزمه ، والي آدم في علمه ، والي إبراهيم في حلمه ، والي موسى في فطنته ، والي عيسى في زهده ، فلينظر إلي علي بن أبي طالب ) . أخرجه البيهقي في صحيحه ، والإمام أحمد بن حنبل في مسنده ) .**

این حدیث را همانگونه که در پایان حدیث قبل مشاهده می کنید از دو تن محدث و نویسنده مشهور و صاحب آثار و تالیفات معتبر یعنی احمد حنبل و بیهقی نقل کرده اند که متأسفانه در چاپهای فعلی دیده نمی شود و گویا دست تحریف این حدیث را نیز به سرنوشتی همانند تحریف و اسقاط دیگر احادیث و منقولات تاریخی در فضائل اهل بیت و علی علیهم السلام دچار کرده است.

ابن ابی الحدید معتزلی با اعتراف به ویژگیهای برتر امیر المؤمنین علیه السلام و بدون هیچ گونه شبهه ای این حدیث را با استناد به همان دو شخصیت نقل کرده است.

**الخبر الرابع : من أراد أن ينظر إلي نوح في عزمه ، وإلي آدم في علمه ، وإلي إبراهيم في حلمه ، وإلي موسى في فطنته ، وإلي عيسى في زهده ، فلينظر إلي علي بن أبي طالب ' .**

**رواه أحمد بن حنبل في المسند ، ورواه أحمد البيهقي في صحيحه .**

شرح نهج البلاغة ، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحدید المدائني الوفاة: 655 هـ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418 هـ - 1998 م ، الطبعة: الأولى ، ج 9 ص 100 ، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري.

فخر رازی در ادامه داستان محمود حمصی که در استدلال به آیه مباحله سخن وی را نقل کردیم می گوید:

**ويؤيد الاستدلال بهذه الآية ، الحديث المقبول عند الموافق والمخالف ، وهو قوله عليه السلام : ( من أراد أن يري آدم في علمه ، ونوحاً في طاعته ، وإبراهيم في خلته ، وموسى في هيئته ، وعيسى في صفوته ، فلينظر إلي علي بن أبي طالب رضي الله عنه ) فالحدیث دل علی أنه اجتمع فيه ما كان متفرقاً فيهم ، وذلك يدل علی أن علیاً رضي الله عنه أفضل من جميع الأنبياء سوى محمد صلي الله عليه وسلم...**

در تأیید این استدلال به آیه شریفه حدیثی است که مورد قبول موافق و مخالف است و آن سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: ( هر که می خواهد به علم آدم ، طاعت نوح ، محبوبیت ابراهیم ، هیبت موسی و برگزیدگی عیسی بنگرد باید به علی بن ابی طالب بنگرد ) . زیرا این حدیث دلالت دارد که همه این صفاتی که در این پیامبران به طور پراکنده موجود است يك جا در علی علیه السلام گرد آمده است ، و همین دلیل است که علی علیه السلام از همه پیامبران جز پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم افضل است .

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب ، ج 8 ص 72. اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی الوفاة: 604 ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1421هـ - 2000م ، الطبعة: الأولى

ابو حیان آندلسی صاحب تفسیر البحر المحیط چاره ای ندیده است جز اینکه اصل حدیث را انکار و آن را از احادیث موضوعه معرفی کند ، که البته دیدگاه افرادی از این قبیل کاملاً روشن است ، چون موضوع حدیث بیان مناقب علی علیه السلام از زبان فرستاده خدا و پیامبر بزرگ الهی رسول خاتم است و آثاری از این قبیل باید محکوم به جعل و وضع گردد. وی می گوید:

**وأما الحديث الذي استدل به فموضوع لا أصل له . وهذه النزعة التي ذهب إليها هذا الحمصي من كون علي أفضل من الأنبياء عليهم السلام سوى محمد صلي الله عليه وسلم ) ، وتلقفها بعض من ينتحل كلام الصوفية ، ووسع المجال فيها ، فزعم أن الولي أفضل من النبي...هذه المقالة مخالفة لمقالات أهل الإسلام . نعوذ بالله من ذلك...**

حدیث برتری علی بر پیامبران جعلی و ساخته صوفی مسلکان است...فکر برتری ولی بر نبی با عقائد اسلامی سازگاری ندارد.

تفسیر البحر المحیط: ج 2 ص 504 ، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی الوفاة: 745هـ ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت - 1422هـ - 2001م ، الطبعة: الأولى ، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود - الشیخ علی محمد معوض ، شارك في التحقيق 1 ) د.زکریا عبد المجید النوقی 2 ) د.أحمد النجولی الجمل

نویسنده و شارح کتاب «شرح احقاق الحق» مرحوم مرعشی ، با تحقیقی عمیق و مفصل به استخراج این حدیث با الفاظ متنوع آن از منابع روایی اهل سنت پرداخته است که به دو حدیث اکتفا نموده و به منابع ذکر شده از سوی ایشان اشاره می کنیم:

**الحديث الرابع والعشرون ( من أراد أن ينظر إلي آدم ، إلي نوح ، إلي إبراهيم ، إلي موسى ، إلي عيسى ، فلينظر إلي علي بن أبي طالب عليه السلام ) رواه جماعة من أعلام العامة في كتبهم : منهم العلامة المولوي ولي الله اللكنهوي في ( مرآة المؤمنین في مناقب أهل بیت سید المرسلین ) ( ص 35 ) قال : ( في حديث ) قال صلي الله عليه وسلم : من أراد أن ينظر إلي آدم في علمه وإلي نوح في تقواه وإلي إبراهيم في حلمه وإلي موسى في هيئته وإلي عيسى في عبادته فلينظر إلي علي بن أبي طالب .**

( هر کس به خواهد علم آدم ، تقوای نوح ، بردباری ابراهیم ، هیبت موسی و عبادت عیسی را ببیند باید به علی بن ابی طالب بنگرد ) .

سپس مرحوم مرعشي منابع متنوع و فراواني از بزرگان اهل سنت که این حدیث را با مضامین متعدد نقل کرده اند نام می برد که در ذیل مشاهده می فرمائید:

علامه شهاب الدین احمد حسینی شافعی شیرازی فی ( توضیح الدلائل ) ( ص 232 نسخه مکتبه الملی بفارس ) و علامه أبو حفص عمر بن محمد بن خضر ملا موصلی فی ( الوسيلة ) ( ص 168 ط حیدرآباد الدکن ) ، علامه شریف سید حسین علی شاه بن سید روشن علی شاه حسینی نقوی بخاری حنفی هندی ، متوفی سنه 1322 فی ( تحقیق الحقایق ، کلزار مرتضوی ، محبوب القلوب ) ( ص 9 ط لاهور ) ، علامه سید احمد بن محمد بن احمد حسینی شافعی در ( التبر المذاب ) ( ص 33 نسخه مکتبتنا العامة بقم ) . علامه جمال الدین محمد بن مکرم أنصاری جزرجی فی ( مختصر تاریخ دمشق ) ( ج 17 ص 148 نسخه طوب قوسرای بإسلامبول ) ، علامه یحیی بن موفق بالله شجری متوفی سنه 499 فی ( الأمالی ) ( ج 1 ص 133 ) علامه شیخ حسام الدین مردی حنفی فی ( آل محمد ) ( ص 424 نسخه مکتبه السید الأشکوری ) علامه شریف أبو المعالی مرتضی محمد بن علی حسینی بغدادی فی ( عیون الأخبار فی مناقب الأخیار ) ( ص 26 نسخه مکتبه الفاتیکان ) .

شرح احقاق الحق للمرعشي: 22 / 296 - 300.

علامه امینی نویسنده اثر گران سنگ و ماندگار «الغدير» نیز با نقل این حدیث از منابع گوناگون اهل سنت همچون مسند احمد و فضائل الصحابه بیهقی و مناقب خوارزمی و... گوشه ای از امتیازات و برتریهای امر مؤمنان را اثبات و بر صحت حدیث مُهر تأیید می زند.

**1 - أخرج إمام الحنابلة أحمد عن عبد الرزاق بإسناده المذكور بلفظ : من أراد أن ينظر إلي آدم في علمه ، وإلي نوح في فهمه ، وإلي إبراهيم في خلقه ، وإلي موسى في مناجاته ، وإلي عيسى في سنته ، وإلي محمد في تمامه وكماله ، فلينظر إلي هذا الرجل المقبل . فتناول الناس فإذا هم بعلي بن أبي طالب كأنما ينقلع من صلب ، و ينحط من جبل.**

و نیز برخی از مشاهیر اهل سنت در آثار خویش با الفاظ مشابه و گاه با تغییر آن را نقل کرده اند که از جمله آنان افراد ذیل است:

أبو بكر أحمد بن حسين بيهقي متوفاي 458 در ( فضائل الصحابة ) .

حافظ أحمد بن محمد عاصمي در كتاب [ زين الفتى في شرح سورة هل أتى ] .

خوارزمي مالكي متوفاي 568 در ( المناقب ) ص 49 ( 83 ح 70 ) . و ص 39 ( 88 ح 79 ) .

أبو سالم كمال الدين محمد بن طلحة شافعي متوفاي 652 در ( مطالب السئول ) به نقل از كتاب ( فضائل الصحابة ) بيهقي .

عز الدين ابن أبي الحديد متوفاي 655 در ( شرح نهج البلاغة ) ج 2 ص 236 ودر ج 2 ص 449 به نقل از أحمد و بيهقي .

حافظ أبو عبد الله گنجي شافعي متوفاي 658 ، در ( كفاية الطالب ) ص 45 .

حافظ أبو عباس محب الدين طبري متوفاي 694 در ( الرياض النضرة ) 2 ص 218 .

شيخ الاسلام حموي متوفاي 722 ، در ( فرايد السمطين )

قاضي عضد أيجي شافعي متوفاي 756 ، در ( المواقف ) ج 3 ص 276

تفتازاني شافعي متوفاي 792 في ( شرح المقاصد ) 2 ص 299.

ابن صباغ مالكي متوفاي 855 در ( الفصول المهمة ) ص 21 به نقل از [ فضائل الصحابة ] بيهقي.

سيد محمود آلوسي متوفاي 1270 در شرح عينية عبد الباقي عمري ص 27.

صفوري در ( نزهة المجالس ) 2 ص 240.»

سيد أحمد قادين خاني در ( هداية المرتاب ) ص 146 .

العلامة الاميني ، الغدير: ج 30 ، ص 355-360.

## نتیجه و خلاصه

شهادت خداوند به پاكي و طهارت خاندان پیامبر اعظم و شخص امير مؤمنان علي بن ابوطالب عليه السلام و ملقب شدن به نفس رسول خدا که برترین مقام معنوي براي آن حضرت است و حديث معروف ( أشباه ) که در آن از ویژگیهاي بارز و ممتاز پیامبران بزرگي همچون آدم ، نوح ، موسي ، عيسي ، ابراهيم و...عليهم السلام ، یاد شده و در آن فرد شايسته اي که نمادي از اين امتيازات و ویژگیهاي بي مانند است معرفي مي شود ، تمامی اين اوصاف و امتيازات گوياي برتري او بر همه آنان غير از رسول اعظم است.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر

